جلسه ۴۱

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین

حدیث اخلاقی

الإمام الصادق (عليه السلام): لايستغني أهل كل بلد عن ثلاثة، يفزع إليه في أمر دنياهم وآخرتهم، فإن عدموا ذلك كانوا همجا( لا خیر لهم فی الدنیا والآخره): فقيه عالم ورع، وأمير خير مطاع، وطبيب بصير ثقة

محل بحث: وجوهی در وجوب قرائت حمد و سوره در رکعت اول و دوم ملحق به نماز جماعت، بر خلاف عامه!

بیان توهم: موردی که ماموم نماز را می بندد و با راه رفتن به صفوف می پیوندد، خارج از بحث ما می باشد بلکه وجوب قرائت فاتحه در موردی است که تمکن از قرائت فاتحه باشد. حتی صاحب ریاض و صاحب حدائق این مطلب را تصریح کرده اند. (بعد ان حکما بوجوب القرائه ان الاوط للماموم الذی لایعلم التمکن من القرائه ان لایدخل الا تکبیره الرکوع فاذن لا قرائه)

نظر احوط این است که اگر نماز را زودتر بست، به قدری که می تواند، قرائت را انجام دهد، سپس بعد از نماز جماعت، از ابتدا نمازش را بخواند، البته بر این تفصیل، دلیلی نداریم، زیرا قرائت در دو رکعت اول اطلاق دارد در اینکه در دو رکعت اخیر امام باشد، لذا فرقی بین درک رکعت اول امام با رکعات دیگر، ندارد، پس ماموم در هرکعت که باشد باید قرائت داشته باشد. بلکه از هفتمین مأیدات، در مدارک و غیر آن: اکثر اصحاب متعرض حکم کسی که از نماز جماعت عقب افتاده نشده اند بلکه علماء محل بحث را در استحباب قرائت برده اند.

علماء نیز دو دسته شدند یا در مورد قرائت تمام متعرض نشدند، یا گروه دیگر به صورت مطلق گفتند قرائت بخواند که حمل بر استحباب می شود.

لذا از متاخرین از شیخ طوسی، استحباب فهمیده می شود، در مختلف قول به وجوب رافقط به سید مرتضی نسبت داده است، و باقی اصحاب اگر قرائت را ذکر کردند، قائل به وجوب نشدند، همچنین محکی از سید مرتضی وجوب فاتحه می باشد همچنان برخی قائل به وجوب سوره شده اند حتی ادعای اجماع بر آن کرده اند، پس احتمال وجوب نزد او در غیر این مقام است و در این مقام قائل به وجوب فاتحه شده است.

صاحب جواهر: هیچ کس به این تفاصیل قائل نیست اگرچه در سرائر نسبت چنین تفصیلی را به برخی اصحاب ما داده اند، برخی هم هردو را واجب می دانند و برخی هم قرائت حمد را واجب می دانند. چه بسا مرادشان استحباب باشد.

جواب صاحب جواهر از این وجوه هفتگانه: هیچ کدام از وجوه مذکور را قبول ندارند و این وجوه از معارضه با روایات وجوب قرائت در دو رکعت اول، قاصر است. زیرا این روایا صحیح بوده و از کتب مشهور جمع آوری شده و معتبر اند، در دلالت هم تصریح بر قرائت در رکعت اول و دوم می باشد.

حتی روایت مرسله داریم عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: قال: أي شئ يقول هؤلاء في الرجل الذي يفوته مع الامام ركعتان؟ قلت: يقولون: يقرأ فيهما بالحمد وسورة، فقال: هذا يقلب صلاته يجعل أولها آخرها، قلت: كيف يصنع؟ قال: يقرأ فاتحة الكتاب في كل ركعة.

حاصل: با وجود روایات وجوب قرائت در رکعت اول و دوم، نمی توانیم قائل به استحباب بشویم.

كما أنه قد استفاضت أيضا أو تواترت في الأمر بقراءة المأموم في الأولتين له والأخيرتين للإمام معللا في‌ صحيح ابن الحجاج عن الصادق عليه‌السلام بأنهما له الأولتان ، قال فيه : « وسألته عن الرجل الذي يدرك الركعتين الأخيرتين من‌الصلاة كيف يصنع بالقراءة؟ قال : اقرأ فيهما فإنهما لك الأولتان ، ولا تجعل أول صلاتك آخرها » وهو حقيقة في الوجوب ، فمنه ـ مضافا إلى اعتضاده بالاحتياط في التوقيفيات ، إذ الحرمة لم يصرح أحد بها في المقام ، بل الظاهر الاتفاق بين من تعرض لذلك على الرجحان في الجملة وإن اختلفوا في وجوبه وندبه ، وبما دل على أصل القراءة في الصلاة المعلوم أو المظنون أو المحتمل عدم معارضته أدلة سقوط القراءة عن المأموم وضمان الامام لها ، ضرورة عدم شمولها لما نحن فيه ، على أنه يجب الخروج عنها بأخبار المقام المعتضدة بعضها ببعض السالمة على كثرتها من اختلاف بينها بالنسبة إلى ذلك ـ ينقدح قوة القول بالوجوب ، وفاقا للمحكي عن علم الهدى والشيخ في التهذيبين وظاهر النهاية والمبسوط والغنية وأبي الصلاح ، بل لعله ظاهر الكليني والصدوق أيضا ، واختاره بعض الأساطين من متأخري المتأخرين كالمحدث البحراني والمولى الأكبر في شرح المفاتيح والسيد في الرياض وغيرهم ، وكأنه مال إليه في الذخيرة كما عن الأردبيلي ، وخلافا للمنتهى والتذكرة والمختلف والنفلية والفوائد الملية وعن السرائر فالاستحباب ، وربما مال اليه أو اختاره بعض متأخري المتأخرين ، للأصل الذي يكفي في قطعه بعض ما عرفت فضلا عن الجميع بعد تسليم جريانه في نحو المقام.[[1]](#footnote-1)

1. [جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج14، ص42.](http://lib.eshia.ir/10088/14/42/سقوط_القراءة) [↑](#footnote-ref-1)